

## نقش صبر در رابطه بین هوش موفق و خردمندی در دانشجویان

ghorbani\_r1384@yahoo.com

khormaeae\_78@yahoo.com

رقیه قربانی / استادیار گروه مشاوره دانشگاه فرهنگیان یزد

کمال فرهاد خرمائی / دانشیار روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز

دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۰۷ - پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۲۱

### چکیده

هدف این پژوهش، تبیین نقش واسطه‌گری فضیلت اخلاقی صبر، در بین هوش موفق و خردمندی است. روش پژوهش از نوع همبستگی، با استفاده از مدل معادلات ساختاری است. بدین منظور، تعداد ۳۰۰ نفر (۱۸۰ زن، ۱۲۰ مرد) از دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه شیراز، به روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و مقیاس‌های خودسنجی خردمندی وبستر (۲۰۰۳)، هوش موفق استرنبرگ و گریگورنکو (۲۰۰۲) و صبر (خرمائی و همکاران، ۱۳۹۳) را تکمیل نمودند. نتایج تحلیل معادلات ساختاری نشان داد که داده‌ها با مدل برازش دارد و اثر مستقیم هوش موفق، بر خردمندی و فضیلت اخلاقی صبر به ترتیب،  $\beta=0/57$  و  $\beta=0/41$  و همین‌طور، فضیلت اخلاقی صبر بر خردمندی ( $\beta=0/16$  و  $p=0/001$ ) تأیید شد. همچنین، مدل نشان داد که فضیلت اخلاقی صبر، نقش واسطه‌ای بین هوش موفق و خردمندی ( $\beta=0/06$ ،  $p=0/001$ ) دارد. این نتایج بیانگر این است که متغیرهای شناختی همچون هوش موفق، به همراه واسطه فضیلت اخلاقی صبر برای رسیدن به خردمندی لازم هستند. براساس نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود که آموزش هوش موفق و فضیلت‌های اخلاقی همچون صبر مورد توجه قرار گیرد تا موجب تقویت و بروز خردمندی در افراد گردد.

کلیدواژه‌ها: خردمندی، هوش موفق، فضیلت اخلاقی صبر.

«خردمندی»، از جمله مفاهیم مورد تأکید در اکثر متون مذهبی دنیاست. با نگاهی به گذشته‌های بسیار دور، آثار فرهنگی و باستانی دیده می‌شود که به متون مذهبی مرتبط با خردمندی در تمدن‌های باستانی اشاره دارند و در آنها خردمندی را به‌عنوان مجموعه‌ای از کدهای مذهبی و اخلاقی مورد پذیرش اجتماع تعریف کرده‌اند (آسمان، ۱۹۹۴). دین مبین اسلام نیز به پرورش و رشد مفهوم خردمندی اهتمام ورزیده و خداوند با عبارات مختلف انسان را به تعقل، تفکر و تدبیر در امور فراخوانده است (عزیزیان و مردانی، ۱۳۹۶). به‌طوری‌که در قرآن کریم، از خردمندی با تعبیرهای گوناگونی چون عقل، لب، قلب و حکمت یاد شده و برای آن، ویژگی‌هایی نیز بیان شده است. مثلاً در آیه ۲۶۹ سوره «بقره» بیان شده است: «خداوند به هر کس بخواهد حکمت می‌بخشد، به هر کس حکمت داده شود، خیر فراوانی داده شده است و جز خردمندان کسی بند نمی‌گیرد». در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز در تبیین ویژگی‌های خردمندی، تعبیری دیده می‌شود که هر یک از آنها، به گونه‌ای ارزش و اهمیت این مفهوم را بازمی‌نمایاند. برای مثال، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «مثل خرد در دل، همانند چراغ در میان خانه است» (ذهنی تهرانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۹۸)؛ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام هم فرموده‌اند: «بهترین بهره‌ر مرد خرد اوست؛ اگر به ذلت افتد او را به عزت رساند، اگر زمین خورد بلندش کند، اگر گمراه شود راهنمایی اش کند و اگر سخن بگوید سخنش را استوار گرداند» (رک: رسولی محلاتی، ۱۳۷۸).

در سال‌های اخیر، پژوهش بر روی این مفهوم مذهبی، در روان‌شناسی رشد فزاینده‌ای داشته است. می‌توان گفت که از آغاز تحقیقات روان‌شناسی خردمندی، یکی از حوزه‌های مهم مورد بررسی، چگونگی رشد و شکل‌گیری خردمندی است (استادینگر و گلوک، ۲۰۱۱). خردمندی، به‌عنوان نظام دانشی که نیازمند و منعکس‌کننده یکپارچگی ذهن و فضیلت، شخصیت و هوش، تعریف شده است (کنزمان و بالتس، ۲۰۰۵). نظریه‌پردازان مختلف، عناصر گوناگونی مثل هوش و اخلاق را در شکل‌گیری خردمندی عنوان کرده‌اند. از جمله آنها، می‌توان به نظریه جدید دو عصری خردمندی (فینان و هانگ، ۲۰۱۲) و نظریه تعادلی/استرنبرگ (۲۰۰۱) اشاره کرد.

فینان و هانگ (۲۰۱۲)، در ارائه مدل دو عصری، خردمندی را متشکل از دو عنصر هوش و اخلاق بیان کردند. این پژوهشگران براساس فرهنگ چین باستان، که در آن خردمندی از دانش ناشی می‌شود (وانگ و زنگ، ۲۰۰۹)؛ هوش را به‌عنوان عصری از خردمندی ذکر می‌کنند (وانگ و زنگ، ۲۰۱۱) و بیان می‌کنند که خردمندی، با دو عنصر هوش و فضائل اخلاقی می‌تواند هم در فعالیت‌های روزانه و هم در تحقیقات علمی، به کار برده می‌شود (فینان و هانگ، ۲۰۱۲).

برخی از صاحب‌نظران نیز معتقدند: برای رسیدن به تصمیم خردمندانه باید منافع و مصلحت جمع را در نظر گرفت (استرنبرگ، ۲۰۰۵). وی خردمندی را متشکل از دو عنصر هوش و ارزش‌ها می‌داند که هوش موفق و دانش ضمنی زیربنای آن است و فردی را خردمند می‌داند که بتواند با تأکید بر ارزش‌ها، به برقراری تعادل بین منافع برون‌فردی و درون‌فردی و بین فردی برای رسیدن به مصلحت جمع بپردازد (استرنبرگ، ۲۰۰۸ الف). به عبارت دیگر، خردمندی معطوف به رسیدن به اهدافی است که ثمره آن اهداف، مدنظر قرار دادن منفعت و مصلحت جمع باشد (استرنبرگ و جردن، ۲۰۰۵). یک راه‌حل خردمندانه راه‌حلی متعادل است که در کوتاه‌مدت و بلندمدت، از طریق دمیدن ارزش‌های اخلاقی مثبت، منافع گوناگون متضاد را به حساب می‌آورد (استرنبرگ، رزنیس کایا و جاروین، ۲۰۰۷).

استرنبرگ (۲۰۰۳)، هوش موفق را - که زیربنای خردمندی می‌داند - به‌عنوان توانایی کسب موفقیت در زندگی، مبتنی بر اهداف شخصی در بافت فرهنگی - اجتماعی تعریف می‌کند. چنین فردی، دارای توانایی‌های مختلف تحلیلی، خلاق و عملی است (استرنبرگ و گریگورنکو، ۲۰۰۰؛ استرنبرگ، ۲۰۰۸). فرد دارای هوش موفق، از توانایی تحلیلی برای مقایسه، ارزیابی امکانات موردنیاز برای حل مسئله و از توانایی عملی برای تصمیم‌گیری در مورد تعمیم دانش کسب‌شده، در بافت‌های مختلف و از توانایی خلاق برای رویارویی با موقعیت‌های جدید و تصمیم‌گیری استفاده می‌کند (استرنبرگ و گریگورنکو، ۲۰۰۰).

همسو با نظریه‌های ذکرشده، ارتباط هوش و خردمندی از سوی محققان مختلف نیز بررسی شده است. به‌گونه‌ای که اشمیت و همکاران (۲۰۱۲) بعد گشودگی، تخیل و کنجکاوی ذهنی را از ابعاد هشت‌گانه خردمندی عنوان کرده‌اند. استادیگر و پاساپاتی (۲۰۰۳)، نمره بالای خردمندی عملی را با سطوح بالای هوش متبلور و خلاقیت در نوجوانان و بزرگسالان مرتبط یافتند. استرنبرگ (۲۰۰۳)، رسیدن به خردمندی را نیازمند داشتن خلاقیت و هوش در هر دو سطح نظریه‌های ضمنی و تصریحی دانست. وی در سال (۲۰۰۸) خردمندی، هوش و خلاقیت در کنار یکدیگر را برای هدایت رشد مهارت‌ها و توانایی‌ها در دانشگاه‌ها لازم می‌داند. در بین پژوهشگران ایرانی نیز /سعدی (۱۳۹۴) بیان می‌کند که صفات شناختی هوشی، از ویژگی‌های افراد خردمند در نظریه‌های ضمنی است. همچنین، مهارت‌های حل مسئله و توانمندی‌های شناختی نیز به‌عنوان ویژگی‌های افراد خردمند عنوان شده است (کرد نوقایی، ۱۳۹۶).

خردمندی، با حوزه ارزش‌ها و اخلاق همپوشی دارد. /رسطو، بر نقش اخلاق و فضائل در خردمندی تأکید کرده است و آن را به‌عنوان مؤلفه کلیدی خردمندی عنوان می‌کند (بالتس و اسمیت، ۲۰۰۸). ردپای اخلاق به اشکال مختلف، در تعاریف، نظریات و مدل‌های خردمندی دیده می‌شود (بلوک و گلوک، ۲۰۰۴؛ ۲۰۰۵). برای نمونه، مدل برلین، خردمندی را دربرگیرنده بهترین باورهای مذهبی و قوانین زندگی می‌داند که یک فرهنگ و افرادش باید آن را ارائه دهند (بالتس و استادیگر، ۲۰۰۰). ارزش‌ها و اصول اخلاقی، از جمله عواملی است که خردمندی در درون آن رشد می‌کند (گرین و براون، ۲۰۰۹). نوییژه‌های‌ها نیز ویژگی‌های اخلاقی خاص، مثل تحمل ابهام و تمایل به سازش را از ویژگی‌های مهم خردمندی می‌دانند (لابووی - ویف، ۲۰۰۳) و ارزش‌های سازماندهی شده مبتنی بر رشد شخصی و تقویت دیگران، با سطوح بالای خردمندی مرتبط است (کنزمان و بالتس، ۲۰۰۳).

صبر نیز از جمله فضائل اخلاقی مهم است (خرمائی و فرمانی، ۱۳۹۴) که در قرآن کریم، ۱۰۳ بار تکرار شده است. کثرت استفاده از این واژه و کلمات هم خانواده در قرآن، بیانگر اهمیت و جایگاه این مفهوم کلیدی است. برای مثال، قرآن کریم (ابراهیم: ۵؛ لقمان: ۳۱؛ شوری: ۳۳)، راه کشف حقایق و ظرائف آفرینش و رشد و رسیدن به موفقیت را صبوری معرفی کرده است. چنان‌که از برخی آیات (آل عمران: ۱۴۶) برداشت می‌شود که افراد صبور در برابر مشکلات سست نمی‌شوند. براین اساس، اندیشمندان اسلامی نیز با پیروی از آیات و روایات و قراردعی صبر به‌عنوان فضیلتی اخلاقی، این فضیلت را برای ایمان به‌منزله سر برای بدن تلقی می‌کنند (قراحتی، ۱۳۸۳). این مفهوم، ارتباط تنگاتنگی

با حوزه تعلیم و تربیت و روان‌شناسی دارد (شمشیری و شیروانی، ۱۳۹۰). انسان با کمک گرفتن از صبر در کنار سایر توانمندی‌های شناختی، اجتماعی و عاطفی خود، قادر به کشف ناشناخته‌های خویش خواهد بود و می‌تواند بر توانش‌های خود بیفزاید (مرحمتی و یوسفی، ۱۳۹۴).

خرمائی و همکاران (۱۳۹۳ الف)، صبر را فضیلتی اخلاقی تعریف می‌کنند که به استقامت، شکیبایی، درنگ، رضایت و متعالی شدن فرد در موقعیت‌هایی اشاره دارد که دشوار و ناخوشایند است. این محققان معتقدند که هرچند صبر، دارای ظرفیتی زیستی - روان‌شناختی است، اما به‌عنوان سازه‌ای اخلاقی توسط باورهای دینی و عوامل تأثیرگذار درونی و بیرونی جهت داده می‌شود. از این رو، در این پژوهش از میان فضائل و ارزش‌های اخلاقی، صبر به‌عنوان یکی از متغیرهای اخلاقی و به‌عنوان متغیر واسطه انتخاب شد.

تحقیقات گوناگون نیز به ارتباط بین ارزش‌ها، فضائل اخلاقی و خردمندی اشاره کرده‌اند. برای مثال، در پژوهش گلوک و همکاران (۲۰۱۳)، همدلی - به‌عنوان یکی از فضائل اخلاقی - با خردمندی ارتباط معنادار داشته است. لی (۲۰۰۸)، پابندی به ارزش‌ها و تجارب معنوی را پیش‌بین خردمندی دانست. وی، بیان می‌کند که گشودگی و پابندی به ارزش‌ها، هم به طور مستقیم و هم با واسطه‌گری تعالی خود، بر روی خردمندی اثرگذار هستند (لی، ۲۰۱۱). کراس و های‌وارد (۲۰۱۵)، بر مبنای تعریف شورتر و شارپ (۲۰۰۶)، که تسلط بر فضائل اخلاقی و حل تعارضات و تبدیل فضائل اخلاقی در عمل و موقعیت‌های عینی را خردمندی عملی می‌گویند، به بررسی رابطه خردمندی عملی و فضائل با سلامت روان از چشم‌انداز مسیحیت پرداخته و فضیلت‌های اخلاقی مختلف را به‌عنوان خردمندی شناسایی کردند. اسمعی (۱۳۹۴)، در رتبه‌بندی صفات افراد خردمند در جامعه ایران بیان می‌کند که صبر از جمله صفات مرتبط با خردمندی است که حائز اهمیت ویژه است؛ زیرا صفت صبوری، با افزایش سن از جایگاه هفتم در نوجوانان، به جایگاه چهارم در جوانان و جایگاه سوم در گروه میانسال تغییر کرد. این امر بیانگر اهمیت ویژگی صبر در خردمندان جامعه ایرانی است.

علاوه بر ارتباط بین هوش، اخلاق و خردمندی، محققان به ارتباط بین هوش و اخلاق نیز اشاره کرده‌اند. همت‌خواه و همکاران (۲۰۱۴)، بیان می‌کنند که ضریب هوشی با قضاوت اخلاقی رابطه مثبت معنادار دارد. فلین (۲۰۰۶)، عنوان می‌کند که هوش رابطه معناداری با قضاوت اخلاقی کودکان پیش‌دستانی دارد. رضائی و همکاران (۱۳۹۳)، به این نتیجه دست یافتند که دانش‌آموزان تیزهوش، از نظر نوع‌دوستی و تحول اخلاقی تفاوت معناداری با گروه عادی دارند که این امر بیانگر ارتباط هوش و متغیرهای اخلاقی است. حقیقی و همکاران (۱۳۹۰)، بین هوش و تحصیلات با قضاوت اخلاقی رابطه مثبت یافتند.

براساس آنچه گفته شد، اگرچه هوش موفق در نظریه استرنبرگ (استرنبرگ، ۲۰۰۱)، زیربنای خردمندی و ارزش‌ها و فضائل اخلاقی، به‌عنوان نقش واسطه در رابطه هوش و خردمندی دانسته شده است، ولی تحقیقات تجربی در این زمینه کمتر دیده می‌شود و اندک تحقیقات در این زمینه نیز به ارتباط هوش به‌صورت کلی، با خردمندی و انواع فضائل اخلاقی با خردمندی می‌پردازند. از این رو، این پژوهش قصد دارد با توجه به نظریه تعادلی استرنبرگ

(۲۰۰۱)، در خردمندی و تحقیقات پراکنده در این زمینه، هوش موفق را به‌عنوان متغیر برون‌زاد و از میان فضائل اخلاقی، مبتنی بر باورهای دینی و اخلاقی، در فرهنگ ایرانی، صبر را به‌عنوان یک فضیلت اخلاقی به‌عنوان متغیر واسطه مورد مطالعه قرار دهد و ارتباط آن با خردمندی را مورد بررسی قرار دهد. براین‌اساس، فرضیه‌های پژوهش به صورت ذیل مطرح است:

- هوش موفق بر خردمندی اثر مستقیم است؛
- هوش موفق بر فضیلت اخلاقی صبر اثر مستقیم است؛
- فضیلت اخلاقی صبر بر خردمندی اثر مستقیم است؛
- فضیلت اخلاقی صبر نقش واسطه بین هوش موفق و خردمندی دارد.

شکل ۱ مدل پیشنهادی این پژوهش را نشان می‌دهد:

شکل ۱. مدل پیشنهادی نقش واسطه‌گری فضیلت اخلاقی صبر در بین هوش موفق و خردمندی



## روش پژوهش

این پژوهش، از نوع همبستگی با استفاده از مدل معادلات ساختاری است و جامعه آماری این پژوهش، کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه شیراز بودند. برای برآورد حجم نمونه، با در نظر گرفتن ملاک کلاین (۲۰۱۶)، مبنی بر ۲/۵ تا ۵ برابر تعداد گویه‌های ابزار پژوهش، ۳۰۰ نفر (۱۸۰ زن، ۱۲۰ مرد) با میانگین سنی و انحراف استاندارد (۲۱/۰۲، ۳/۰۵)، به شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند.

## ابزار پژوهش

**مقیاس خودسنجی خردمندی:** ویستر (۲۰۰۳)، برای اندازه‌گیری و بررسی خردمندی، مقیاس ۴۰ گویه‌ای را طراحی کرد که هر گویه آن، براساس مقیاس ۶ درجه‌ای لیکرت از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۶ (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. این مقیاس، دارای ۵ خرده‌مقیاس است که تجربه بحرانی زندگی، تنظیم هیجان، مرور / تأمل، شوخ‌طبعی و باز بودن به تجربه را اندازه‌گیری می‌کند. نتایج تحلیل عاملی، روایی مدل ۵ مؤلفه‌ای را تأیید کرده است. آلفای کرونباخ برای کل مقیاس معادل ۰/۹۰ و میزان پایایی بازآزمایی آن، پس از دو هفته برابر ۰/۸۴ بوده است (ویستر، ۲۰۰۷). در این ابزار، نمره کل از حاصل جمع تمام گویه‌ها به دست می‌آید. در تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و دوم شاخص‌های برازش استخراج‌شده مدل پنج عاملی، نسبت به مدل اصلی از برازش مطلوبی با داده‌ها برخوردار بوده است (قربانی، ۱۳۹۶). در این پژوهش، برای ارزیابی روایی از تحلیل گویه استفاده شد و همبستگی بین گویه‌های بعد تجربه بحرانی زندگی، با

نمره کل آن بین ۰/۶۵ تا ۰/۳۸، تنظیم هیجان بین ۰/۴۸ تا ۰/۷۳، مرور/ تأمل ۰/۵۴ تا ۰/۶۹، شوخ‌طبعی بین ۰/۳۰ تا ۰/۶۹ و باز بودن در تجربه بین ۰/۵۷ تا ۰/۷۴ به دست آمد. برای بررسی پایایی نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و برای مؤلفه‌های تجربه بحرانی زندگی، تنظیم هیجان، مرور / تأمل، شوخ‌طبعی و باز بودن ضرائب آلفا به ترتیب، برابر با ۰/۵۹، ۰/۷۵، ۰/۷۶، ۰/۷۳، ۰/۵۵ و برای نمره کل خردمندی ۰/۸۶ به دست آمد.

**مقیاس هوش موفق:** این مقیاس، توسط استرنبرگ و گریگورنکو (۲۰۰۲) طراحی شده است و شامل ۳۶ عبارت است که سه بعد هوش تحلیلی، هوش خلاق و هوش عملی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این محققان پایایی این زیرمقیاس‌ها را به ترتیب، ۰/۸۲، ۰/۶۸ و ۰/۷۱ و پایایی کل مقیاس را ۰/۷۴ گزارش کرده‌اند. چن (۲۰۰۸)، پایایی این مقیاس و مؤلفه‌های آن را بالاتر از ۰/۸۶ گزارش کرده است. پاسخ‌گویی به سوالات این مقیاس، براساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت انجام می‌شود که در دامنه‌ای از ۱- (ضعیف) تا ۵- (عالی) قرار دارد. شاخص‌های روان‌سنجی این پرسش‌نامه، توسط نگهبان سلامی و همکاران (۱۳۹۲)، در ایران بررسی شده است. نتایج تحلیل عامل اکتشافی، سه عامل اولیه را با ارزش ویژه بالاتر از یک نشان داد که سه عامل روی هم‌رفته، ۵۵/۶۹ درصد واریانس را تبیین می‌کنند. آنها آلفای کرونباخ مقیاس هوش موفق را برای ابعاد تحلیلی، خلاق و عملی به ترتیب، ۰/۷۴، ۰/۷۰، ۰/۸۱ گزارش کردند. در این پژوهش، آلفای کرونباخ برای ابعاد تحلیلی، عملی، خلاق و نمره کل هوش موفق به ترتیب، ۰/۸۸، ۰/۸۹ و ۰/۹۴ محاسبه شد. همچنین، برای ارزیابی روایی ابزار پژوهش از همسانی درونی استفاده شد که همبستگی هر سؤال با نمره کل هوش موفق بین ۰/۴۹ تا ۰/۷۰ به دست آمد.

**مقیاس صبر:** این مقیاس توسط خرمائی و همکاران (۱۳۹۳ الف)، در قالب ۲۵ گویه مثبت و منفی، با نمره‌گذاری پنج درجه‌ای لیکرت طراحی شده است. برای تعیین روایی و پایایی این مقیاس، از تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی، همراه با چرخش واریماکس استفاده شده است (همان). نتایج تحلیل عاملی وجود پنج عامل را در این مقیاس مورد تأیید قرار داد. این مؤلفه‌ها، عبارت از: متعالی‌شدن، شکیبایی، رضایت، استقامت و درنگ است. در این میان ضرایب آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های متعالی‌شدن ۰/۸۴، شکیبایی ۰/۶۷، رضایت ۰/۶۰، استقامت ۰/۶۱ و درنگ ۰/۶۸ محاسبه شده است. همچنین، ضریب آلفای کرونباخ کل، ۰/۸۶ به دست آمده است (خرمائی و همکاران، ۱۳۹۳ ب). مطالعات مختلف روایی و پایایی نمرات این مقیاس را مورد تأیید قرار داده‌اند (همان). در این پژوهش، برای ارزیابی پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شد که برای ابعاد متعالی‌شدن، شکیبایی، رضایت، استقامت، درنگ و صبر کل به ترتیب، ۰/۷۱، ۰/۶۲، ۰/۵۴، ۰/۵۰، ۰/۵۲ و ۰/۸۱) به دست آمد. همچنین در تحلیل گویه برای ارزیابی روایی، همبستگی ابعاد متعالی‌شدن، شکیبایی، رضایت، استقامت، درنگ با نمره کل صبر به ترتیب، برابر با ۰/۷۳، ۰/۵۶، ۰/۶۳، ۰/۷۳ و ۰/۷۴) به دست آمد.

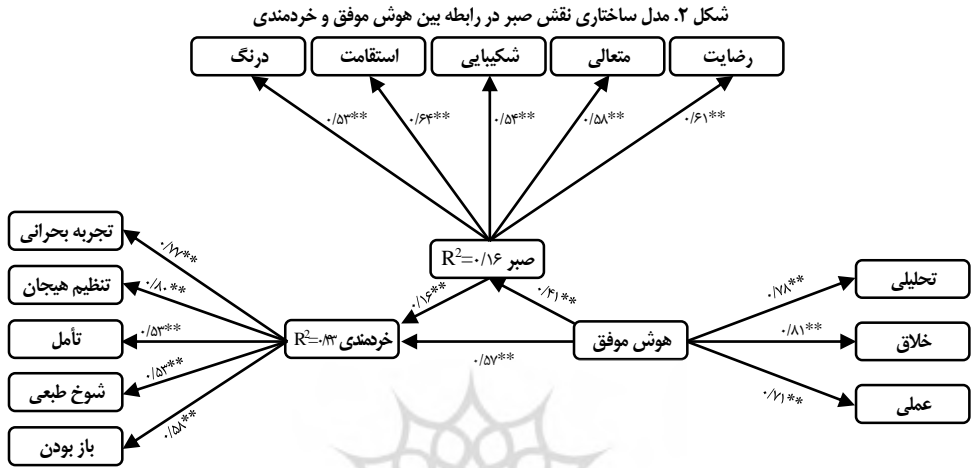
### یافته‌های پژوهش

در این پژوهش برای محاسبه شاخص‌های توصیفی داده‌ها از نرم‌افزار SPSS (نسخه ۲۱) و برای تعیین برازش مدل و پاسخ‌گویی، به فرضیه‌های پژوهش، از نرم‌افزار AMOS (نسخه ۲۱) استفاده شده است. یافته‌های توصیفی متغیرها شامل میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی بین ابعاد متغیرهای پژوهش

متغیر	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۱. تحلیلی	۷۸/۶۱	۰/۷۸	۱															
۲. خلاق	۶۶/۷۱	۰/۷۸	۰/۶۱	۱														
۳. عملی	۵۱/۶۸	۰/۷۸	۰/۷۱	۰/۷۱	۱													
۴. هوش موفق	۵۷/۶۱	۰/۷۸	۰/۷۱	۰/۷۱	۰/۷۱	۱												
۵. رضایت	۶۷/۶۱	۰/۷۸	۰/۶۱	۰/۸۰	۰/۶۱	۰/۶۱	۱											
۶. متعالی	۵۵/۷۸	۰/۷۸	۰/۵۰	۰/۶۰	۰/۳۱	۰/۵۱	۰/۷۸	۱										
۷. شکیبایی	۳۱/۰۱	۰/۷۸	۰/۶۱	۰/۶۰	۰/۶۱	۰/۳۱	۰/۶۱	۰/۶۱	۱									
۸. استقامت	۶۶/۰۱	۰/۷۸	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۱								
۹. درنگ	۵۶/۰۱	۰/۷۸	۰/۶۱	۰/۶۱	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۱							
۱۰. صبر	۸۳/۸۷	۰/۷۸	۰/۶۱	۰/۶۱	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۱						
۱۱. تجربه	۶۶/۷۸	۰/۷۸	۰/۶۱	۰/۶۱	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۱					
۱۲. تنظیم	۸۸/۵۸	۰/۷۸	۰/۶۱	۰/۶۱	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۱				
۱۳. تامل	۰/۶۸	۰/۷۸	۰/۶۱	۰/۶۱	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۱			
۱۴. شوخ‌طبعی	۶۸/۶۸	۰/۷۸	۰/۶۱	۰/۶۱	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۱		
۱۵. باز بودن	۷۱/۵۸	۰/۷۸	۰/۶۱	۰/۶۱	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۱	
۱۶. خردمندی	۵۷/۶۱	۰/۷۸	۰/۶۱	۰/۶۱	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۱

همان‌طور که در جدول ۱، ملاحظه می‌شود بین ابعاد هوش موفق با صبر و خردمندی همبستگی معنادار وجود دارد. شکل ۲، مدل ساختاری مورد آزمون و مدل‌های اندازه‌گیری پژوهش، که شامل ضرایب رگرسیون یا بارهای عاملی رابطه متغیرهای مکنون و مشاهده شده، آمده است.



براساس شکل ۲، می‌توان گفت: متغیرهای هوش موفق و صبر ۴۳ درصد ( $R^2=0.43$ ) از تغییرات خردمندی و متغیر هوش موفق ۱۶ درصد ( $R^2=0.16$ )، از تغییرات فضیلت اخلاقی صبر را تبیین کرده است. شاخص‌های برازش نیز حاکی از این بود که مدل نهایی پژوهش، از برازش مطلوبی برخوردار است (جدول ۲).

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل

شاخص	x/df	GFI	AGFI	IFI	NFI	Tli	RMSEA	PCLOSE
مقدار	۱/۸۵	۰/۹۵	۰/۹۲	۰/۹۶	۰/۹۵	۰/۹۴	۰/۰۴	۰/۵۰

همان‌طور که در جدول ۲ نشان داده می‌شود، برای تعیین کیفیت برازندگی مدل پیشنهادی با داده‌ها ترکیبی از شاخص‌های برازندگی مختلف، مانند کای اسکور (مربع‌خی)، RMSEA، (ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب)، GFI و AGFI (شاخص برازش مطلق)، IFI، NFI، Tli (شاخص برازش تطبیقی) استفاده شد. شاخص‌های برازندگی، بیانگر این است که مدل پیشنهادی از برازش مطلوبی برخوردار است. در جدول ۳ نیز روابط ساختاری متغیرهای موجود در مدل، که شامل اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهاست، ملاحظه می‌شود.

جدول ۳. ضرایب استاندارد مسیر مستقیم، غیرمستقیم، اثر کل متغیرهای موجود در مدل

مسیر	اثر مستقیم	غیرمستقیم	اثر کل
هوش موفق به صبر	۰/۴۱**	-	۰/۴۱
هوش موفق به خردمندی	۰/۵۷**	۰/۰۶**	۰/۶۳
صبر به خردمندی	۰/۱۶**	-	۰/۱۶



همان‌طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، در این پژوهش اثر مستقیم هوش موفق بر صبر ( $\beta=0/41$ ) و ( $p=0/001$ )، هوش موفق بر خردمندی ( $\beta=0/57$ ) و ( $p=0/001$ ) و صبر بر خردمندی ( $\beta=0/16$ ) و ( $p=0/001$ ) مثبت و معنادار بوده است. همچنین، اثر غیرمستقیم هوش موفق بر خردمندی با واسطه‌گری فضیلت اخلاقی صبر ( $\beta=0/06$ ) و ( $p=0/001$ ) معنادار بوده است. بدین ترتیب، فرضیه‌های پژوهش مورد تأیید قرار گرفتند.

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، بررسی نقش واسطه‌گری متغیر فضیلت اخلاقی صبر، در روابط بین هوش موفق و خردمندی در قالب یک مدل و با استفاده از روش مدل معادلات ساختاری بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که هوش موفق پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار خردمندی است. به عبارت دیگر، هوش موفق، اثر مستقیم بر خردمندی دارد. این یافته، همسو با نظریه‌های ضمنی خردمندی (بلوک و گلوک، ۲۰۰۵)، نظریه/استرنبرگ (۲۰۰۱) و مدل دو عنصری فینان و هانگ (۲۰۱۲) و تحقیقات/استادینگر و پاساپاتی (۲۰۰۳)،/استرنبرگ (۲۰۰۱، ۲۰۰۸) و اسعدی (۱۳۹۴) است.

در تبیین این یافته می‌توان به نظریه‌های ضمنی (بلوک و گلوک، ۲۰۰۵) استناد کرد؛ زیرا در این نظریه‌ها توانایی‌های شناختی مختلف و جنبه‌هایی از هوش سیال و متبلور از مؤلفه‌های خردمندی بیان شده است. ولی باید توجه داشت که صرفاً کیفیت هوش نیست که با خردمندی رابطه دارد (جیسون و همکاران، ۲۰۰۱). بلکه نحوه استفاده آن، از عوامل مرتبط با خردمندی است. در واقع، توانایی حل مسئله (چن و همکاران، ۲۰۱۴) و استفاده از هوش در موقعیت‌های عینی، از ویژگی‌های هوشی مهم در ارتباط با خردمندی است و این درست، مشابه همان مفهوم هوش موفق/استرنبرگ است (اسعدی، ۱۳۹۴)؛ زیرا/استرنبرگ (۲۰۰۵) دانش ضمنی و هوش موفق را به‌عنوان زیربنا و مبنای خردمندی و به‌معنای استفاده عملی از آموخته‌ها، برای رسیدن به موفقیت در زندگی واقعی می‌داند و از آنجاکه فرد خردمند، براساس موقعیت و شرایط موجود مصلحت‌اندیش است و موقعیت را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. می‌تواند از هوش موفق خود در جهت منافع جمعی استفاده کند. بنابراین، ارتباط هوش موفق و خردمندی قابل تبیین به نظر می‌رسد.

نتایج پژوهش نشان داد که هوش موفق، پیش‌بینی‌کننده مثبت فضیلت اخلاقی صبر است و به عبارت دیگر، هوش موفق اثر مستقیم بر فضیلت اخلاقی صبر دارد. این یافته، همسو با یافته‌های (همت‌خواه و همکاران، ۲۰۱۴؛ فلین، ۲۰۰۶؛ رضائی و همکاران، ۱۳۹۳؛ حقیقتی و همکاران، ۱۳۹۰) است. این محققان به ارتباط بین هوش و ویژگی‌های اخلاقی مختلف اشاره کرده‌اند.

این یافته، براین اساس قابل تبیین است که در نظریه‌های اخلاق روان‌شناسانی همچون پیائز و کلبیگ سطوح رشدشناختی را اساس رشد اخلاقی بیان می‌کند و تحول شناختی را شرط لازم در تحول اخلاقی می‌داند (کدیور، ۱۳۹۲). این نظریات، که تحول شناختی را با تحول اخلاقی مرتبط می‌دانند، این احتمال را مطرح می‌سازند که هوش موفق در افراد در نهایت به اخلاق‌مداری به صورت کلی و صبوری به صورت خاص منجر می‌شود.

هوش موفق، نقش مهمی در استفاده از فرصت‌ها برای فرد فراهم می‌سازد. این افراد با داشتن خصوصیات مثل تفکر سریع، کنجکاوی، درک و فهم روابط پیچیده (استرنبرگ، ۲۰۰۳)، ابتدا به صورت منطقی به دور از احساسات، موقعیت و مسائل مربوط به آن را تحلیل و بررسی می‌کنند و در راه رسیدن به هدف خود، همراه با داشتن استعداد‌های چندگانه و چندان‌دیدی برای حل مسائل، استقامت و شکیبایی نیز نشان می‌دهند. به عبارت دیگر، افراد با هوش موفق، به دلیل تجربه موفقیت به صورت مکرر، عدم موفقیت‌های خود را سطحی و گذرا می‌پندارند و آن را به عوامل مختلفی غیر از توانایی خود نسبت می‌دهند. این طرز فکر موجب استقامت و شکیبایی بیشتر در برابر ناملایمات و شکست‌ها می‌گردد. به عبارت دیگر، این افراد با صبوری و متانت خویش، به دنبال راه‌حل خلاقانه برای موقعیت هستند. براین اساس، ارتباط بین هوش موفق و فضیلت اخلاقی صبر، قابل تبیین به نظر می‌رسد.

همچنین، *خرمائی و فرمانی (۱۳۹۴)* در مفهوم‌سازی مدل پنج عاملی صبر بیان می‌کنند که توانش‌های هوشی با تلفیق عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤلفه‌های صبر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این دیدگاه، باورهای فرهنگی، اعتقادی و دینی تقویت‌کننده شاخص‌های صبوری هستند که ناشی از بستر متغیرهای شخصی می‌شوند. بنابراین، هوش موفق، به‌عنوان یکی از عوامل و متغیرهای شخصی، قادر به پیش‌بینی فضیلت اخلاقی صبر می‌باشد.

نتایج همچنین نشان داد که فضیلت اخلاقی صبر، پیش‌بینی‌کننده مثبت خردمندی است. این نتایج، همسو با (گلوک و همکاران، ۲۰۱۳؛ کنزمان و بالتس، ۲۰۰۳؛ لی، ۲۰۰۸؛ همو، ۲۰۱۱) است. این یافته نیز قابل تبیین است؛ زیرا خردمندی در درون اصول اخلاقی رشد و توسعه می‌یابد (گرین و براون، ۲۰۰۹) و پایبندی به اصول مذهبی و اخلاقی موجب شکوفایی خردمندی می‌شود. از آنجاکه جنس صبر، از نوع سعه‌صدر و تحمل است (خرمائی و فرمانی، ۱۳۹۳) و در ادیان مهم دنیا نیز به‌عنوان یک فضیلت اخلاقی، همراه با ظرفیت مقابله با سختی‌های روزمره و چالش‌های بزرگ شناخته شده است (کومر و سیکرکا، ۲۰۱۴)، بنابراین برخورداری از ویژگی صبر و تحمل فرد را برای شرکت در فعالیت‌ها و موقعیت‌هایی که مبهم و نامشخص است، توانا می‌سازد و به‌گونه‌ای موجب سهولت در پذیرش موقعیت‌هایی می‌شود که در حال حاضر، تغییرناپذیر و یا دشوار و سخت است. افراد صبور، به واسطه قدرت تحمل زیاد به روش‌های ابتدایی و در دسترس رضایت نمی‌دهند و برنامه‌های پیچیده و مناسب با محیط را جایگزین می‌کنند و با استقامت و شکیبایی، خود را در برابر مشکلات و مقابله با آنها توانمند می‌پندارد و همین حس موجب افزایش خردمندی در آنها می‌شود. براین اساس، افراد صبور می‌توانند خردمند نیز باشند و پیش‌بینی خردمندی توسط فضیلت اخلاقی قابل تبیین به نظر می‌رسد.

در نهایت، نتایج نشان داد که فضیلت اخلاقی صبر، نقش واسطه در رابطه بین هوش موفق و خردمندی ایفا می‌کند. این یافته، همسو با نظریه تعادلی *استرنبرگ (۲۰۰۵)* در باب خردمندی است. در این نظریه، به نقش واسطه‌گری اخلاق و ارزش‌ها بین هوش موفق و خردمندی اشاره شده است. فرد خردمند، فردی است که با داشتن توانایی‌های شناختی خاص، همچون هوش موفق می‌تواند براساس شرایط و موقعیت و نگاه کردن به ارزش‌ها و اصول اخلاقی، تصمیماتی را اتخاذ کند که به نفع همگان باشد. براین اساس، هوش موفق می‌تواند بر میزان تحمل و صبوری

افراد اثرگذار باشد، به گونه‌ای که بر روی شکیبایی و صبر افراد، در زمان بروز مشکلات احتمالی و همچنین، ایجاد مقاومت و استقامت در برابر ضربه‌های دیگران بیفزاید تا آنها بتوانند با انتخاب فعالیت‌های چالش‌برانگیز، ظرفیت پرورش خردمندی بیشتر را در خود ایجاد کنند. به‌طور کلی، فضیلت اخلاقی صبر، از متغیرهای تأثیرگذار در بین هوش موفق و خردمندی است؛ زیرا هم از هوش موفق اثرپذیر و هم بر روی خردمندی اثرگذار است. به عبارت دیگر، فضیلت اخلاقی صبر هم اثر گیرنده و هم اثر دهنده دارد. براین اساس، وجود نقش واسطه‌گری فضیلت اخلاقی صبر در بین هوش موفق و خردمندی قابل تبیین به نظر می‌رسد.

نتایج این پژوهش، از لحاظ نظری و عملی دارای اهمیت است. بررسی روابط این متغیرها، در قالب یک مدل به غنای دانش در این زمینه افزوده است. همچنین، با توجه به پرداختن تعلیم و تربیت دنیا به رشد خردمندی و پرورش افراد خردمند، شناسایی متغیرها و عوامل تأثیرگذار بر رشد خردمندی ضروری به نظر می‌رسد. نتایج این پژوهش، نشان داد که هوش موفق و فضیلت اخلاقی صبر پیش‌بینی‌کننده خردمندی هستند، از آنجا که خردمندی به‌کارگیری فرایندهای تفکر، به همراه فضیلت اخلاقی برای رسیدن به مصلحت همگانی است، پیدا کردن راه‌هایی برای تقویت خردمندی، می‌تواند وسیله قدرتمندی برای کمک به رفاه انسان باشد. بنابراین، گام بعدی این است که متخصصان با فراهم آوردن محیط و طراحی بسته‌های آموزشی مناسب، شرایط لازم را برای رشد هوش موفق، فضیلت اخلاقی صبر و در نهایت، خردمندی فراهم سازند.

## منابع

- اسعدی، سمانه، ۱۳۹۴، «ویژگی‌های افراد خردمند بر پایه نظریه‌های ضمنی»، *روان‌شناسی مثبت*، ش ۱، ص ۵۱-۶۶.
- حقیقتی، جمال و همکاران، ۱۳۹۰، *بررسی رابطه بین مراحل و رشد قضاوت اخلاقی، هوش، جایگاه مهار و سطوح تحصیلات*، طرح پژوهشی آموزش و پرورش، تهران.
- خرمائی، فرهاد و اعظم فرمائی، ۱۳۹۳، «بررسی نقش پنج عامل بزرگ شخصیت در پیش‌بینی صبر و مؤلفه‌های آن در دانشجویان»، *روان‌شناسی بالینی و شخصیت*، ش ۱۱، ص ۲۱-۲۳.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۴، «مدل پنج عاملی صبر بستری برای تبیین مفهومی نظریه صبر»، در: *سومین کنگره بین‌المللی علوم انسانی*، تهران.
- خرمائی، فرهاد و همکاران، ۱۳۹۳ (الف)، «ساخت و بررسی و ویژگی‌های روانسنجی مقیاس صبر»، *اندازه‌گیری تربیتی*، ش ۱۷، ص ۸۳-۱۰۰.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۳ (ب)، «نقش صبر به‌عنوان یک فضیلت اخلاقی و شخصیت در پیش‌بینی ناامیدی دانشجویان»، *اخلاق پژوهشی*، ش ۲۸، ص ۱۶۷-۱۹۹.
- ذهنی تهرانی، محمدجواد، ۱۳۸۳، *علل الشرايع*، قم، مکتب الحیدریه.
- رسولی محلاتی، هاشم، ۱۳۷۸، *عمر الحکم و درر الکلم*، تهران، فرهنگ اسلامی.
- رضائی، لیل و همکاران، ۱۳۹۳، «بررسی مقیاس‌های تحول اخلاقی، نوع‌دوستی و خودکارآمدی اجتماعی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی دبیرستان‌های شهر ارومیه»، *آموزش و ارزشیابی*، ش ۷، ص ۲۵-۴۱.
- شمشیری، بابک و علی شیروانی، ۱۳۹۰، «مفهوم صبر در قرآن و دلالت‌های فلسفی و تربیتی آن»، *تربیت اسلامی*، ش ۱۳(۶)، ص ۷۹-۹۸.
- عزیزیان، مرضیه و زهرا مردانی، ۱۳۹۶، «ماهیت خرد در قرآن و روان‌شناسی با تأکید بر لزوم پرورش آن در سبک زندگی فردی و اجتماعی»، *نخستین همایش ملی سبک زندگی و سلامت*، یزد، دانشگاه آزاد اسلامی.
- قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قربانی، رقیه، ۱۳۹۶، *تبیین خردمندی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و هوش موفق با واسطه‌گری اخلاق (صبر) و خودکارآمدی مقابله*، رساله دکتری، شیراز، دانشگاه شیراز.
- کدیور، پروین، ۱۳۹۲، *روان‌شناسی تربیتی*، تهران، سمت.
- کردنوقایی، رسول، ۱۳۹۶، *روان‌شناسی خرد*، تهران، ارجمند.
- مرحمتی، زهرا و فریده یوسفی، ۱۳۹۴، «بررسی رابطه بین ابعاد صبر و بهزیستی روان‌شناختی»، *پژوهش‌های اسلامی*، ش ۱۳(۲)، ص ۱۳۵-۱۵۷.
- نگهبان سلامی، محمود و همکاران، ۱۳۹۲، «بررسی ساختار عاملی، روایی و پایایی پرسش‌نامه هوش موفق»، *اندازه‌گیری تربیتی*، ش ۱۵(۱)، ص ۲-۱۴.
- Assmann, A, 1994, *Whole some knowledge: concepts of wisdom in a historical and cross-cultural perspective*, in *Life-Span Development and Behavior*, ed. DL Featherman RM Lerner, M Perlmutter, (p. 187-224). Hillsdale, NJ, Erlbaum.
- Baltes, p B, & Staudinger, U. M, 2000, "Wisdom: A metaheuristic (pragmatic) to rchestrate mind and virtue toward excellence", *American Psychologist*, n. 55 (1), p 122-136.
- Baltes, P.B, & Smith, J, 2008, "The Fascination of Wisdom: Its Nature, Ontogeny, and Function", *Perspectives on Psychological Science*, n. 3, (1), p 56-64.

- Bluck, S., & Gluck, J., 2004, "Making things better and learning a lesson: Experiencing wisdom across the lifespan", *Personality*, n. 72 (3), p 543-572.
- Bluck, S., & Gluck, J., 2005, "From the inside out: People's implicit theories of wisdom", in R. J. Sternberg & J. Jordan, A handbook of wisdom, *Psychological perspectives*, (p. 84-109), Cambridge, Cambridge University Press.
- Chen, L. M., et al, 2014, "Educators' implicit perspectives on wisdom: A comparison between interpersonal and intrapersonal perspectives", *International Journal of Psychology*, n. 49(6), p 425-433.
- Comer, D. R., & Sekerka. L. E., 2014, "Taking time for patience in organizations", *Management Development*, n. 33 (1), p 6-23.
- Fengyan, W., & Hong, Z., 2012, "A New Theory of Wisdom: Integrating Intelligence and Morality", *Psychology Research*, n. 2 (1), p 64-75.
- Fllen, J. R., 2006, "Age, sex, intelligence, and parents occupation and the moral development of the preschool child", *Early Child Development and Care*, n. 23 (17), p 177-183.
- Glück, J., et al, 2013, "How to measure wisdom: content, reliability, and validity of five measures", *Personality Science and Individual differences*, n. 4 (405), p 2-13.
- Greene, J. A., & Brown, S. C., 2009, "The wisdom development scale: Further validity investigations", *International Aging & Human Development*, n. 68 (4), p 289-320.
- Hematkhab, R., et al, 2014, *Investigate the relationship between intelligence and moral development of boys in EslamabadGharb high school*, Retrieved from www.behaviorsciences.com.
- Jason, L. A., et al, 2001, "The measurement of wisdom: Apreliminary effort", *Community Psychology*, n. 29, p 585-598.
- Kline, R. B., 2016, *Principles and practice of structural equation modeling* (4th Ed.), New York, The Guilford Press.
- Krause, N., & Hayward, R. D., 2015, "Virtues, practical wisdom and psychological well-being: a christian perspective", *Springer Science Business Media Dordrecht*, v. 122, n. 3, p 735-755.
- Kunzmann, U., & Baltes, p B., 2003, "Wisdom-related knowledge: affective, motivational, and interpersonal correlates", *Personality and Social Psychology Bulletin*, n. 29, 1104-1119.
- Kunzmann, U., & Baltes, p B., 2005, "The psychology of wisdom: Theoretical and empirical challenges", in R. J. Sternberg & J. Jordan (eds), *A handbook of wisdom: Psychological perspectives*, (p. 110-135), New York, Cambridge University Press.
- Labouvie-Vief, G., 2003, "Dynamic integration: affect, cognition, and the self in adulthood", *Current Directions in Psychological Science*, n. 12, p 201-206.
- Le, T, N., 2011, "Life Satisfaction, Openness Value, Self-Transcendence, and Wisdom", *Happiness Stududent*, n. 12, p 171-182.
- Le, T. N., 2008, "Cultural values, life experiences, and wisdom", *Aging and Human Developmen*, n. 66 (4), p 259-281.
- Mehtews, J. F., 2009, *Being smart about gifted education: a guide book for educator and parents*, Great potential Press, Inc.
- Schmit, D, E, et al, 2012, "What is wisdom? The development and validation of a multidimensional measure", *Journal of Leadership, Accountability and Ethics*, n. 9(2), p 39-54.

- Schwartz, B, & Sharpe, K. E, 2006, "Practice wisdom: Aristotle meets positive psychology", *Happiness Studies*, n. 7, p 377-395.
- Staudinger, U. M, & Gluck, J, 2011, "Intelligence and wisdom", in R. J. Sternberg & S. B. Kaufman (eds), *The Cambridge handbook of wisdom*, (p. 827-846), New York, Cambridge University Press.
- Staudinger, U. M, & pasupathi, M, 2003, "Correlates of wisdom-related performance in adolescence and adulthood: age-graded differences in adolescence and adulthood: age-graded differences in "paths" toward desirable development", *Research on adolescence*, n. 13, p 239-268.
- Sternberg, R. J, & Grigorenko, E. L, 2000, *Teaching for successful intelligence*. Arlington Heights, USA, Skylight Training and Publishing Inc.
- Sternberg, R. J, & Jordan, J, 2005, *Handbook of wisdom: Psychological perspectives*, New York, Cambridge University Press.
- Sternberg, R. J, 1998, "A balance theory of wisdom", *Review of General Psychology*, n. 2, p 347-365.
- Sternberg, R. J, 2003, "WICS: A model for leadership in organizations", *Academy of Management Learning & Education*, n. 2, p 386-401.
- Sternberg, R. J, 2008a, "The WICS approach to leadership: Stories of leadership and the structures and processes that support them", *The Leadership Quarterly*, n. 19, p 360-371.
- Sternberg, R. J, 2008b, "Applying psychological theories to educational practice", *American Research*, n. 45(1), p 150-165.
- Sternberg, R. J, et al, 2007, "Teaching for wisdom: What matters is not just what students know, but how they use it", *London Review of Education*, n. 5, p 143-158.
- Sternberg, R. J., 2001, "Why schools should teach for wisdom: The balance theory of wisdom in educational settings", *Educational Psychologist. Special Issue: Teaching for Wisdom*, n. 36(4), p 227-245.
- Wang, F. Y, & Zheng, H, 2009, "Wisdom derives from knowledge: The Chinese classical wisdom view", *Nanjing Normal University (Social Science Edition)*, n. 4, p 104-110.
- Wang, F. Y, & Zheng, H, 2011, "A wisdom theory of integrating intelligence with morality", in F. Y. Wang, & L. S. Yang (eds.), *A new education psychology*, (p. 304 - 314), Guangzhou: Jinan University Press.
- Webster, J. D, 2003, "An exploratory analysis of a self-assessed wisdom scale", *Adult Development*, n. 10(1), p 13-22.
- Webster, J. D, 2007, "Measuring the character strength of wisdom", *Aging and Human*, n.65, p 163-183.